



Determining and Prioritizing the Factors Affecting the Financing of Services in the Health System in Iran

Parivash Heidari Orejlo¹ MA, Shaghayegh Vahdat^{2*} PhD, Hassan Soltani¹ PhD

¹ Department of Health Services Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

² Department of Health Services Management, Faculty of Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

³ Management Department, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

*Correspondence to: Shaghayegh Vahdat; Email: sha_vahdat@yahoo.com

Received: January 24, 2022

Revised: May 7, 2022

Accepted: May 22, 2022

Online Published: June 7, 2022

Abstract

Introduction: In today's societies, "health" is the inalienable right of all members of society and indicators showing health in society are important factors in showing the level of development of the country. The purpose of this study is to determine and prioritize the factors affecting financing in Iran.

Methods: This descriptive research is a survey method and in terms of implementation process, it has been done qualitatively and quantitatively. In this research, first with a qualitative approach and by theoretical and library studies, the financing model in the world health system was examined and then by comparative comparison and determining the points of difference and commonality, the main factors were identified. Then, using the opinion of experts, the researcher proceeded to prioritize the factors.

Results: To investigate the research hypotheses, because the dimensions and components affecting health financing did not have the same rankings, as a result, prioritization was done in the field of contextual factors, instrumental factors, content factors and structural factors. The results showed that the central tax system with 4.451 points, the budgeting system with 4.420 points and the formulation of the financing plan with 4.368 points are the most influential components, respectively.

Conclusion: In the study of the studied countries and financing models and frameworks, the variables that had the highest frequency in the financing system included the variables of tax axis, integrated financial fund, subsidies, financial participation and protection of investment risks. It shows the emphasis of the mentioned models on the tax view along with investment. The results of this study show that in Iran, despite the existing insurance system, creating a mechanism in the tax system, budgeting system and formulating a financing plan with respect to sanctions and creating restrictions in the investment system in the health sector has the most importance and rank.

Keywords: Health Care Financing, Health Planning Guidelines, Health Care Delivery, Public Health Care

Highlights

1. Iran's health financing system is not stable enough and in the stable financing system, the tax system is one of the most important resources, and the insurance fund, although stable, does not produce much financial resources.
2. Policymakers should use appropriate strategies to strengthen the sustainability of the health financing system in order to increase access to health services and universal health coverage.

Citation:

Heidari Orejlo P, Vahdat S, Soltani H. Determining and prioritizing the factors affecting the financing of services in the health system in Iran. Iran J Health Insur. 2022;5(1):18-31.



تعیین و اولویت‌بندی عوامل موثر بر تأمین مالی ارائه خدمات در نظام سلامت ایران

پریوش حیدری ارجلو^۱ MA، شقایق وحدت^۲ PhD، حسن سلطانی^۳ PhD

^۱ گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ گروه مدیریت، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

* نویسنده مسئول: شقایق وحدت؛ پست الکترونیک: sha_vahdat@yahoo.com

انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

تصحیح: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

چکیده

مقدمه: در جوامع کنونی «سلامتی» حق مسلم کلیه افراد جامعه است و شاخص‌های نشان‌دهنده سلامت در جامعه از عوامل مهم در نمایش سطح توسعه‌یافتگی کشور است. هدف این تحقیق تعیین و اولویت‌بندی عوامل موثر بر تأمین مالی در کشور ایران است.

روش بررسی: این تحقیق توصیفی، به روش زمینه‌یابی پیمایشی است و از نظر فرآیند اجرا، به صورت کیفی و کمی انجام شده است. در این تحقیق ابتدا با رویکرد کیفی و توسط مطالعات نظری و کتابخانه‌ای، الگوی تأمین مالی در نظام سلامت در جهان مورد بررسی قرار گرفت و سپس با مقایسه تطبیقی و تعیین نقاط افتراق و اشتراک، عوامل اصلی شناسایی شد. سپس با استفاده از نظر خبرگان، محقق نسبت به اولویت‌بندی عوامل اقدام کرد.

یافته‌ها: برای بررسی فرضیه‌های تحقیق، چون ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر تأمین مالی سلامت رتبه‌های یکسانی نداشتند، در نتیجه اولویت‌بندی در بخش عوامل زمینه‌ای، عوامل ابزاری، عوامل محتوایی و عوامل ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد نظام مالیات محوری با ۴/۴۵۱ امتیازف نظام بودجه‌ریزی با ۴/۴۲۰ امتیاز و تدوین طرح تأمین مالی با ۴/۳۶۸ امتیاز به ترتیب بیشترین مؤلفه‌های تأثیرگذار هستند.

نتیجه‌گیری: در بررسی کشورهای مورد مطالعه و مدل‌ها و چارچوب‌های تأمین مالی، متغیرهایی که بیشترین فراوانی را در نظام تأمین مالی دارا بودند شامل متغیرهای مالیات محوری، صندوق یکپارچه مالی، یارانه، مشارکت مالی و حفاظت از ریسک‌های سرمایه‌گذاری بود و این نشان از تأکید مدل‌های مذکور به نگاه مالیاتی همراه با سرمایه‌گذاری دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در ایران نیز باوجود نظام بیمه‌ای موجود، ایجاد یک ساز و کار در بخش نظام مالیاتی، نظام بودجه‌ریزی و تدوین طرح تأمین مالی با توجه به تحریم‌های صورت گرفته و ایجاد محدودیت‌ها در سیستم سرمایه‌گذاری در بخش سلامت از بیشترین اهمیت و رتبه برخوردار است.

واژگان کلیدی: تأمین مالی مراقبت‌های بهداشتی، دستورالعمل‌های برنامه‌ریزی سلامت، ارائه مراقبت‌های بهداشتی، مراقبت‌های بهداشتی همگانی

نکات ویژه

۱. نظام تأمین مالی سلامت ایران از پایداری کافی برخوردار نیست و در نظام تأمین منابع مالی پایدار، نظام مالیاتی از مهمترین منابع محسوب می‌شود و صندوق بیمه هرچند پایدار است اما منابع مالی زیاد تولید نمی‌کند.
۲. سیاست‌گذاران نظام سلامت باید از استراتژی‌های مناسب برای تقویت پایداری نظام تأمین مالی سلامت به‌منظور افزایش دسترسی به خدمات سلامت و پوشش همگانی سلامت استفاده کنند.

مقدمه

می‌کند، باعث شود منابع عظیمی که در این بخش صرف می‌شود به هدر رود. نظام بهداشتی و درمانی در ایران طی سالیان اخیر تحولات بسیاری داشته است. طی سه دهه اخیر شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌هایی همچون کاهش مرگ و میر نوزادان، مرگ و میر مادران و افزایش سن امید به زندگی بوده‌ایم [۱]. امروزه صنعت مراقبت سلامت با رشد و توسعه سریع و روز افزون

در جوامع کنونی، سلامتی حق مسلم کلیه افراد جامعه است و شاخص‌های نشان‌دهنده سلامت در جامعه از عوامل مهم در نمایش سطح توسعه‌یافتگی کشور است. بهداشت و درمان به عنوان یک کالای ضروری دارای حساسیت زیادی است زیرا توجه ناکافی به این مقوله می‌تواند علاوه بر زیان‌هایی که بر سطح سلامت جامعه وارد

خود توانسته اهمیت زیادی را در مباحث اقتصادی کشور به خود اختصاص دهد. اطمینان از دسترسی به پوشش همگانی خدمات سلامت در کشورهای با نظام سلامت کارآمد، با اتخاذ تصمیماتی به منظور افزایش پیش پرداخت‌ها و کاهش پرداخت مستقیم خانوار صورت می‌گیرد [۲].

سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۰ یکی از اهداف سه‌گانه نظام سلامت را مشارکت عادلانه برای تأمین مالی هزینه‌های سلامت اعلام کرده است [۳]. یک نظام عادلانه، نظامی است که در آن خانوارها متناسب با استطاعت مالی و درآمدی‌شان در تأمین هزینه‌های بهداشتی و درمانی مشارکت داشته باشند [۴].

محدودیت منابع مالی، اکثر نظام‌های سلامت جهان را در زمینه کیفیت خدمات، کارایی و اثربخشی و عدالت با چالش‌های گوناگونی مواجه ساخته است. برای برخورد با این مقوله، دولت‌ها از روش‌های تأمین منابع مالی و نظام‌های پرداخت گوناگون استفاده می‌کنند [۵]. هزینه بالای خدمات بهداشتی و درمانی اثرات منفی زیادی به دنبال دارد. وقتی دولت هزینه زیادی در بخش سلامت متحمل می‌شود، میزان بدهی‌های ملی افزایش یافته و منابع مالی محدودی برای سایر برنامه‌های دولتی باقی خواهد ماند. وقتی مردم برای سلامتی خود هزینه زیادی می‌کنند، پول کمتری برای تأمین سایر نیازهای اصلی خود خواهند داشت. وقتی کارفرمایان هزینه زیادی صرف سلامتی و بیمه کارکنان خود کنند، هزینه تولید محصولات آنها افزایش می‌یابد و به تدریج مشتریان خود را از دست خواهند داد [۶].

در زمینه تأمین منابع مالی بخش بهداشت و درمان ۳ مسئله قطعی وجود دارد: اول اینکه به هزینه‌های خدمات بهداشتی روز به روز افزوده می‌شود، دوم اینکه علوم و فناوری دائما در حال پیشرفت است بدون اینکه متوقف شود و سوم اینکه تصویر جمعیت‌شناسی جهان، روند افزایشی خود را طی می‌کند [۳].

تأمین مالی، فرآیند جمع‌آوری وجوه لازم از بازارهای مالی عمومی و خصوصی برای انجام مخارج بخش‌های خصوصی و دولتی است. اهداف تأمین مالی سلامت عبارتند از: در دسترس قرار دادن وجوه، ایجاد انگیزش‌های مالی صحیح برای ارائه‌کنندگان و اطمینان یافتن از دسترسی تمام افراد به خدمات بهداشتی عمومی و مراقبت سلامتی فردی و اثربخش. معنی این امر کاهش و یا از بین بردن ناتوانی پرداخت فرد برای دریافت مراقبت‌ها و یا جلوگیری از

تهدید شدن فرد در نتیجه پرداخت هزینه‌هاست [۷]. چهار کارکرد اصلی تأمین مالی در نظام‌های سلامت عبارتند از: جمع‌آوری درآمد، انباشت سرمایه، ارائه خدمات بهداشتی، درمانی و تولید منابع [۶]. هر کشور باید درباره یک راهبرد تأمین منبع مالی به تصمیم نهایی برسد، یعنی اینکه قرار است از چه ترکیبی از روش‌های تأمین مالی برای تأمین اعتبارات نظام سلامت خود استفاده کند: درآمد عمومی، حق بیمه‌های بیمه اجتماعی، حق بیمه‌های بیمه خصوصی، پرداخت مستقیم توسط بیماران، تأمین منابع اجتماع‌محور، کمک‌های خارجی و خیریه‌ها که اکثر کشورها از ترکیبی از این شیوه‌ها استفاده می‌کنند [۸].

نظام سلامت ایران در محیطی با تغییرات سریع اجتماعی، اقتصادی و فنی عمل می‌کند که این امر منجر به ایجاد چالش‌ها و تنش‌های متعدد می‌شود. در پاسخ به مشکلات و چالش‌های برخاسته از نیاز به عدالت، کیفیت، مناسبت و اثربخشی [۹] انجام اصلاحاتی با خصوصیات بنیادین، هدفمند و پایدار در نظام سلامت ضروری است، زیرا جایگاه و رتبه ۹۳ در سطح سلامت و رتبه ۵۸ در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی ایران در میان نظام‌های سلامت دنیا حاکی از ضعف و ناکارآمدی قابل توجه در دستیابی به اهداف اساسی نظام سلامت است [۱۰].

هدف این مطالعه تعیین و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در تأمین مالی نظام سلامت ایران بود که با بررسی ۱۲ کشور و ۱۶ روش تأمین مالی انجام شد. عوامل تاثیرگذار در ۴ دسته عوامل ساختاری، عوامل زمینه‌ای، عوامل ابزاری و عوامل محتوایی دسته‌بندی شد. عوامل ساختاری ناظر بر مؤلفه‌هایی نظیر ساختارهای مالی، ساختار ریسک‌ها و ساختار کیفیت خدمات است که این عوامل می‌تواند در ایجاد شناسایی رخدادهای مالی احتمالی مؤثر باشد. عوامل زمینه‌ای که به نوعی عوامل بسترساز را شامل می‌شود، ناظر بر مؤلفه‌هایی است که زیرساخت‌ها و پیکره نظام تأمین مالی سلامت را تشکیل می‌دهد و پایدارسازی می‌کند که شامل نظام بودجه‌ریزی، ایجاد سیستم‌های خدمات سلامت‌محور و ایجاد نظام مالیاتی سلامت می‌شود. عوامل ابزاری ناظر بر مؤلفه‌هایی است که نیازمندی‌های مالی را به صورت یکپارچه، جامع و قابل دسترس در سراسر کشور فراهم و تسهیل می‌سازد و به نوعی تسهیل‌گر سیستم نظام تأمین مالی سلامت است که شامل ایجاد صندوق بیمه، ایجاد بیمارستان‌های اجتماعی و جلب مشارکت‌های عمومی مالی است.

کشورهای مورد پژوهش

در دسترس بودن اطلاعات لازم، انتخاب یک کشور جهان سومی پیشرو در منطقه که دارای تشابهات منطقه‌ای با ایران است، یک کشور از قاره آسیا که به لحاظ جمعیتی قابل قیاس با ایران بوده و نسبت به ایران سرانه دارای هزینه بخش سلامت کمتر و امید به زندگی بیشتر است و کشورهای موفق در زمینه ایجاد نظام تأمین مالی.

افراد شرکت‌کننده در بخش تعیین اهمیت معیارها

داشتن سابقه مؤثر در موضوع یعنی سابقه فعالیت در نهادهای اصلی تصمیم‌گیری وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی، داشتن تحصیلات دانشگاهی مرتبط و داشتن آشنایی با مفهوم معیارهای مختلف.

افراد شرکت‌کننده در بخش دلفی

داشتن سابقه مؤثر (حداقل ۲ سال) فعالیت در نهادهای اصلی تصمیم‌گیری حوزه تأمین مالی وزارت بهداشت، شورای عالی بیمه، متخصصان رشته اقتصاد سلامت، سیاست‌گذاری سلامت و مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، داشتن حداقل یک مقاله و پژوهش مرتبط در مجلات معتبر، حضور در کمیته‌های کارشناسی با پژوهشی مرتبط (یک سال).

پژوهش در ۴ مرحله بررسی وضعیت موجود ایران، مطالعه تطبیقی تجربیات سایر کشورها، تعیین اهمیت معیارهای گردآوری شده از مراحل قبل و تعیین و اولویت‌بندی معیارهای تاثیرگذار بر تأمین مالی از طریق دلفی انجام شد.

در مرحله تعیین اهمیت معیارها، معیارهای حاصل از مطالعه تطبیقی و نیز مطالعات مفهومی انجام شده در قالب پرسشنامه طراحی شد و توسط ۵ نفر از اساتید سیاست‌گذاری و مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی مرور و بررسی شد تا اعتبار صوری و محتوایی آن تأیید شود. از اساتید خواسته شد نظر خود را در مورد واضح، مختصر و مرتبط بودن سوالات بدهند و اصلاحات و پیشنهادات لازم را ارائه دهند. همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ پرسشنامه دارای روایی و پایایی بود.

سپس این پرسشنامه به نظرخواهی از ۱۰ نفر از کارشناسان آشنا

عوامل محتوایی نیز ناظر بر مؤلفه‌هایی است که محتواهای قابل استناد و متاع مانند تدوین اسناد بالادستی، نقشه راه، قانون‌گذاری، فرهنگ‌سازی و تدوین طرح‌های تأمین مالی را بررسی می‌کند.

روش بررسی

مطالعه حاضر از نوع ترکیبی (کمی-کیفی) است که از نظر هدف کاربردی است. این پژوهش در نیمه دوم سال ۱۳۹۸ انجام گرفته است. پژوهش در ۴ مرحله انجام شد که ابتدا با رویکرد کیفی، بررسی وضعیت موجود ایران و مطالعه تطبیقی تجربیات سایر کشورها انجام شد و سپس با استفاده از نظر خبرگان مراحل کمی مطالعه (تعیین اهمیت معیارهای گردآوری شده از مراحل قبل و تعیین و اولویت‌بندی معیارهای تاثیرگذار بر تأمین مالی از طریق دلفی) انجام شد.

در مرحله مطالعه تطبیقی، کشورهای مورد مطالعه و مدل‌های مختلف تأمین مالی به عنوان منابع اطلاعاتی در پژوهش نقش داشته‌اند و باتوجه به نبود جامعه آماری در مرحله مطالعه تطبیقی، حجم نمونه مطرح نبوده و ۱۶ چارچوب تأمین مالی و ۱۲ کشور آمریکا، کانادا، انگلیس، سوئد، فرانسه، مالزی، شیلی، آلمان، ژاپن، تایلند، ترکیه و ایران انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند و در مراحل مصاحبه، تعیین اهمیت معیارها و اجرای تکنیک دلفی، جامعه پژوهش از میان جامعه سیاست‌گذاران و مدیران حوزه اقتصاد سلامت، اساتید، صاحب‌نظران، مدیران ارشد و کارشناسان متخصص در وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی به صورت هدفمند با رعایت حداکثر تنوع انتخاب شد. برای انتخاب حجم نمونه از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف با رعایت حداکثر تنوع استفاده شده و چون متخصصان، شناخته شده و زیاد بودند، از نمونه‌گیری تصادفی (با استفاده از جدول اعداد تصادفی) استفاده شد. برای انجام این پژوهش ۳۲ مصاحبه انجام شد و مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که به اشباع داده‌ها رسیدیم.

باتوجه به اینکه بر اساس نوع پژوهش، در اینجا در نظر نیست که نتایج تعمیم داده شود، کشورهای مورد مطالعه، افراد مورد مصاحبه و کارشناسان مشارکت‌کننده برای تعیین اهمیت معیارها و تکنیک دلفی به عنوان شرکت‌کننده تلقی شده و بر اساس ملاک‌های زیر انتخاب شدند:

۲۰ نفر معادل ۶۶ درصد هستند (جدول ۱).

با بررسی کشورهای مورد مطالعه و مدل‌ها و چارچوب‌های تأمین مالی، متغیرهایی که بیشترین فراوانی را در نظام تأمین مالی دارا بودند، شامل متغیرهای مالیات‌محوری، صندوق یکپارچه مالی، یارانه، مشارکت مالی و حفاظت از ریسک‌های سرمایه‌گذاری بود و این نشان از تأکید مدل‌های مذکور به نگاه مالیاتی همراه با سرمایه‌گذاری دارد. از جمله راهبردهای عملیاتی پیشنهاد شده در برخی از چارچوب‌ها می‌توان به حمایت از وضع قوانین برای جمع‌آوری منابع، انباشت و خرید راهبردی، اجرای روش‌های جدید پرداخت به ارائه‌دهندگان خدمت و ایجاد ظرفیت و ایجاد رویکرد سلامت‌محوری اشاره کرد. همچنین یکی از مباحث بسیار مهم در مدل‌های ارائه شده، تأمین منابع لازم از محل منابع دولتی و عمومی برای ارائه خدمات سلامت است. منابع به‌طور عمده از بخش عمومی یا بخش خصوصی و یا ترکیبی از آنها قابل جمع‌آوری است که در این راستا از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در جدول ۲ ماتریس جمع‌بندی افتراقات و اشتراکات چارچوب‌های تأمین مالی ارائه شده، نشان داده شده است.

جدول ۱ | توزیع فراوانی پاسخ دهنده‌گان بر اساس محدوده سنی، جنسیت، سابقه کاری و میزان تحصیلات

متغیر	دسته‌بندی متغیرها	فراوانی	درصد
سن	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۷	۲۶
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۱۱	۴۲
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۸	۳۰
	جمع کل	۲۶	۱۰۰
جنسیت	مرد	۱۵	۵۷
	زن	۱۱	۴۳
	جمع کل	۲۶	۱۰۰
سابقه کاری	بین ۵ تا ۱۰ سال	۱۳	۴۶
	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۷	۲۶
	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۲	۸
	بین ۲۱ تا ۲۵ سال	۲	۸
	بین ۲۶ تا ۳۰ سال	۲	۸
	جمع کل	۲۶	۱۰۰
میزان تحصیلات	لیسانس	۱	۳
	فوق لیسانس	۷	۳۶
	دکتری	۱۸	۶۱
	جمع کل	۲۶	۱۰۰

با ادبیات موضوع گذاشته شد. این پرسشنامه حاوی ۳۹ سوال بود که نظر خبره را در زمینه اهمیت هر کدام از معیارها برای تعیین روش‌های تأمین مالی در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای جویا می‌شد. سپس با استفاده از روش اعتبار محتوا و همچنین آزمون بازآزمون ($\alpha = 0.81$) اعتبار و روایی پرسشنامه تایید شد. طراحی یک مدل اولیه با استفاده از مطالعات مروری جامع و ارائه آن به پنل خبرگان موجب کاهش مراحل مطالعه دلفی و تسریع دستیابی به نتایج نهایی شد.

در مرحله تعیین و اولویت‌بندی معیارهای تاثیرگذار بر تأمین مالی، ۳۲ نفر از متخصصان و خبرگان نظام سلامت در حوزه مورد مطالعه در دو راند دلفی به ۱۲ معیار استخراج شده در مراحل قبلی، بر اساس اهمیت و مطلوبیت آنها برای قرار گرفتن در لیست نهایی ابعاد تاثیرگذار بر روش‌های تأمین مالی نظام سلامت با استفاده از مقیاس لیکرت رتبه بندی پنج‌تایی، امتیازی بین یک تا ۵ دادند. امتیاز یک به معنای اینکه خبره نظام سلامت با انتخاب این گزینه اهمیت کمی برای آن در نظام تأمین مالی سلامت قائل است و امتیاز ۵ به معنای اینکه خبره اهمیت خیلی زیادی برای قرار گرفتن این معیار در نظام تأمین مالی سلامت قائل است. در راند اول، پرسشنامه یا ابزار اولیه دلفی دارای ساختار که تهیه شده برای ۳۲ نفر از خبرگان مرتبط با موضوع فرستاده شد. سپس در راند دوم، باید میانگین نمره هر معیار و نیز نمره خود فرد در مرحله قبل اعلام شود تا فرد تصمیم جدید بگیرد. در این مرحله، از شرکت‌کنندگان درخواست شد تا پاسخ‌ها را مجدداً مرور کرده در صورت نیاز در نظرات و قضاوت‌های خود تجدیدنظر کنند. به دلیل همگرایی بین نظرات خبرگان، دلفی در دو راند به اتمام رسید. بنابراین از بین کل معیارهای استخراج شده در مراحل قبلی، ۱۱ معیار مورد اجماع قرار گرفت و به عنوان معیارهای تاثیرگذار بر تأمین مالی نظام سلامت کشور در نظر گرفته شد.

برای تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS ورژن ۲۴ و آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار استفاده شد.

یافته‌ها

باتوجه به آمار به‌دست آمده از جدول ۱، بیشترین افراد بین محدوده‌ی سنی ۳۱ تا ۴۰ سال (۱۳ نفر) معادل ۴۰ درصد، ۵۶ درصد (معادل ۱۸ نفر) دارای جنسیت مرد، ۴۶ درصد (معادل ۱۵ نفر) با سابقه کاری ۵ تا ۱۰ سال و تعداد افراد با تحصیلات دکتری،

جدول ۱۲ ماتریس اشتراکات مدل‌های نظام تأمین مالی در جهان

عوامل	مدل	تغییرات رفتاری	سلامت‌محوری	حفاظت از ریسک مالی	سودآوری	بیمه خصوصی داوطلبانه	بیمه درمان	کثرت گرایی جامعه	آزادی انتخاب	مسئولیت پذیری فردی	قانون گذاری	صندوق آینده نگر	صندوق پس انداز	Bag – Kur	سازمان بیمه اجتماعی	صندوق بازنشستگی	بیمارستان اجتماعی	پزشکان خویش فرما	مشارکت مبتنی بر درآمد و حق بیمه	مشارکت مالی	صندوق بیماری	یارانه	صندوق مالی یکپارچه	مالیات محور	خدمات سلامت ملی	تخصیص بودجه	مدل
		*	*	*				*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	
مدل بریتانیا	*																		*	*	*	*	*	*	*	*	
مدل آلمان																		*	*	*	*	*	*	*	*		
مدل کانادا																		*	*	*	*	*	*	*	*		
مدل ترکیه								*	*	*		*	*						*	*	*	*	*	*	*		
مدل مالزی								*	*	*		*	*						*	*	*	*	*	*	*		
مدل آمریکا							*		*	*									*	*	*	*	*	*	*		
مدل سوئد															*			*	*	*	*	*	*	*	*		
مدل شیلی														*	*				*	*	*	*	*	*	*		
مدل تایلند														*	*				*	*	*	*	*	*	*		
مدل کاترین	*				*														*	*	*	*	*	*	*		
مدل آرژن						*									*				*	*	*	*	*	*	*		
مدل تامسون									*						*				*	*	*	*	*	*	*		
مدل هسیو	*		*																*	*	*	*	*	*	*		
نظام سلامت ۲۰/۱۲				*					*							*			*	*	*	*	*	*	*		
مدل میسون		*													*				*	*	*	*	*	*	*		
OASIS مدل				*															*	*	*	*	*	*	*		
مدل بانک توسعه آفریقایی					*							*	*						*	*	*	*	*	*	*		
مدل یارانه																			*	*	*	*	*	*	*		
مدل چانام	*	*																	*	*	*	*	*	*	*		
مدل ABT	*	*	*																*	*	*	*	*	*	*		

جدول ۳ | عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظام تأمین مالی سلامت در کشور

عوامل	ابعاد	گویه‌ها
عوامل زمینه‌ای (بستر ساز)	نظام بودجه-ریزی	تأمین اعتبارات بودجه [۸] و [۹]
		تهیه دستورالعمل بودجه [۸] و [۹]
		تهیه فرآیند پرداخت [۱۰] و [۱۱]
		تهیه فرآیند تخصیص بودجه [۱۲] و [۱۳]
	ارائه خدمات سلامت محور	پیاده‌سازی سامانه بودجه [۸]
		فرهنگ سلامت محوری [۱۳]
		تبلیغات سلامت محور [۱۴] و [۱۵]
	نظام مالیات محوری	رسانه ملی سلامت محور [۱۶] و [۱۷]
		فرهنگ سازی در راستای مالیات [۱۲] و [۱۳]
		پیاده‌سازی سامانه مالیات [۱۳] و [۱۵]
		ساز و کار مالیات بر درآمد [۱۶] و [۱۷]
عوامل ابزاری	ایجاد صندوق بیمه	اصخا مالیات [۸] و [۹]
		صندوق حمایت از بیماران [۱۱] و [۱۲]
	انجام مشارکت‌های مالی	ساز و کار خدمات درمانی [۱۳] و [۱۵]
		مشارکت مالی دولت [۱۷] و [۱۹]
		سرمایه‌گذاری خارجی در بخش سلامت [۱۳] و [۱۵]
	ایجاد بیمارستان اجتماعی	مشارکت مالی از طریق بورس [۱۲] و [۱۳]
		ارائه خدمات مسئولیت اجتماعی [۱۲] و [۱۶]
	تدوین طرح‌های تأمین مالی	شناسایی راهکارها [۱۳] و [۱۴]
		واحدهای سازمانی فراهم‌کننده درآمدها [۱۲] و [۱۵] و [۱۳] و [۱۸]
		سهم بیمه‌ها [۱۱] و [۱۳] و [۱۴] و [۱۹]
		نظارت بر قانون [۱۳] و [۱۵]
عوامل محتوایی	قانون گذاری	رفع موانع قانونی [۱۳] و [۱۵]
		تصویب قانون [۱۳] و [۱۵]
		کنترل هزینه [۱۰] و [۱۳]
	ساختار مالی	تأمین درآمدهای پایدار [۱۲] و [۱۶]
		شناسایی ریسک‌های درمان [۱۷] و [۱۹]
	ساختار ریسک	قبول ریسک [۱۶] و [۱۷]
		رفع نیازمندی‌های بیماران [۱۰] و [۱۱]
	ساختار کیفیت خدمات	رفع نیازمندی‌های پزشکان [۱۲] و [۱۷]
عوامل ساختاری	ساختار مالی	
	ساختار ریسک	
	ساختار کیفیت خدمات	

عوامل شناسایی شده در الگوی نظام تأمین مالی سلامت در کشورهای منتخب در پژوهش حاضر، در قالب پرسشنامه‌ای به نظر جمعی خبرگان رسید که از نظر آنها ۱۱ معیار به عنوان معیارهای تاثیرگذار بر تأمین مالی ارائه خدمات در نظام سلامت ایران در بُعد عوامل زمینه‌ای، عوامل ابزاری، عوامل محتوایی و عوامل ساختاری مورد اجماع قرار گرفت که به ۳ جدول تقسیم شدند.

برای شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر نظام تأمین مالی سلامت، در قالب پرسشنامه، نظرسنجی از خبرگان صورت گرفت و برای تجزیه و تحلیل آماری از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. در جدول ۴ نتایج مربوط به آزمون t تک نمونه‌ای درج شده است. براساس مندرجات جدول ۴ با انجام آزمون t در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار $\text{sig} = ۰/۰۵$ برای تمامی متغیرها به دست آمد. بنابراین فرض صفر تحقیق رد شد. یعنی میانگین جامعه با عدد ۳ در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای این عوامل تفاوت دارد و از آنجایی که میانگین عوامل بیشتر از ۳ به دست آمد، این عوامل بر تأمین نظام مالی سلامت تأثیر دارند. بر اساس نتایج این آزمون تأثیر مؤلفه‌های «پرداخت یارانه به پزشکان»، «پرداخت یارانه به بیماران»، «اعطای تسهیلات» و «ایجاد بیمارستان» بر نظام تأمین مالی سلامت احراز نشد (جدول ۴).

برای اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نظام تأمین مالی سلامت، از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن در جدول ۵ لحاظ شده است.

باتوجه به مندرجات جدول (۵)، مقدار $\text{sig} = ۰/۰۰۱$ دست آمده است و از آنجا که $\text{Sig} < ۰/۰۵$ است، می‌توان ادعا کرد «ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر تأمین مالی سلامت، رتبه‌های یکسانی ندارند و در نتیجه می‌توان آنها را اولویت‌بندی کرد». ترتیب اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر نظام تأمین مالی سلامت در جدول ۶ و ۷ نشان داده شده است.

براساس نتایج به دست آمده از جدول ۶ و ۷ در بُعد تخصیص بودجه، «تأمین اعتبارات بودجه» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد خدمات سلامت محور، «فرهنگ سلامت محوری» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد مالیات محور، «فرهنگ سازی در راستای مالیات» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد صندوق بیماری، «صندوق حمایت از بیماران» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد مشارکت مالی، مشارکت مالی دولت در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد طرح‌های

جدول ۴ | ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده مؤثر بر نظام تأمین مالی سلامت

عوامل	متغیرها	تعداد پاسخ دهندگان	میانگین	انحراف معیار	sig	تفاوت میانگین‌ها
تخصیص بودجه	فرآیند تخصیص بودجه	۲۶	۴/۱۹۳	۰/۹۴۱	۰/۱۲۹	۰/۱۹۳
	تهیه فرآیند پرداخت	۲۶	۴/۱۱۰	۰/۹۰۵	۰/۲۳۵	۰/۱۱۰
	تهیه دستورالعمل بودجه	۲۶	۳/۰۳۹	۰/۷۸۱	۰/۰۸۴	۰/۰۳۹
	تأمین اعتبارات بودجه	۲۶	۳/۳۴۵	۰/۸۶۳	۰/۲۱۸	۰/۳۴۵
	پیاده‌سازی سامانه	۲۶	۳/۴۷۳	۰/۹۵۰	۰/۲۰۸	۰/۱۲۵
خدمات سلامت محور	فرهنگ سلامت‌محوری	۲۶	۳/۴۷۳	۱/۲۵۵	۰/۱۲۳	۰/۴۷۳
	رسانه ملی سلامت‌محور	۲۶	۳/۱۹۳	۰/۶۴۸	۰/۱۲۱	۰/۳۵۲
	تبلیغات سلامت‌محور	۲۶	۴/۴۵۲	۰/۹۰۷	۰/۰۶۸	۰/۲۱۷
مالیات محور	اخذ مالیات	۲۶	۳/۱۲۵	۰/۶۴۸	۰/۱۰۷	۰/۲۰۸
	ساز و کار مالیات بر درآمد	۲۶	۳/۲۵۸	۰/۸۹۰	۰/۲۱۳	۰/۳۶۸
	فرهنگ‌سازی در راستای مالیات	۲۶	۴/۹۵۸	۰/۶۹۸	۰/۲۶۳	۰/۴۷۲
	پیاده‌سازی سامانه مالیات	۲۶	۳/۵۶۹	۰/۶۵۷	۰/۰۶۹	۰/۰۹۵
یارانه	پرداخت یارانه سلامت	۲۶	۴/۱۱۰	۰/۹۰۵	۰/۰۳۶	۰/۰۴۴
	تأمین مالی یارانه‌های پرداختی	۲۶	۳/۰۳۹	۰/۷۸۱	۰/۱۲۱	۰/۰۲۵
	پرداخت یارانه به پزشکان	۲۶	۲/۵۹۴	۰/۸۶۳	۰/۲۳۵	۰/۳۶۸
	پرداخت یارانه به بیماران	۲۶	۲/۶۹۸	۰/۹۵۰	۰/۰۵۶	۰/۲۴۷
صندوق بیماری	صندوق حمایت از بیماران	۲۶	۳/۵۸۹	۰/۱۸۱	۰/۷۶۸	۰/۰۲۶
	ساز و کار خدمات درمانی	۲۶	۳/۳۵۸	۱/۰۵	۰/۱۲۶	۰/۰۳۸
	اعطای تسهیلات	۲۶	۲/۶۲۵	۰/۸۶۸	۰/۴۰۹	۰/۰۲۵
مشارکت مالی	مشارکت مالی از طریق بورس	۲۶	۳/۳۶۵	۰/۹۰۵	۰/۴۳۷	۰/۱۲۹
	مشارکت مالی دولت	۲۶	۳/۶۸۹	۰/۸۶۲	۰/۳۷۸	۰/۴۷۲
	سرمایه‌گذاری خارجی در بخش سلامت	۲۶	۳/۵۴۷	۰/۹۰۷	۰/۱۲۷	۰/۰۳۹
بیمارستان جامع	ایجاد بیمارستان	۲۶	۱/۲۶۹	۱/۲۵۵	۰/۳۷۳	۰/۰۲۶
	خدمات مسئولیت اجتماعی	۲۶	۳/۶۰۲	۰/۷۸۱	۰/۷۶۳	۰/۵۹۸
طرح‌های تأمین مالی	شناسایی راهکارها	۲۶	۴/۹۵۸	۰/۶۹۸	۰/۲۶۹	۰/۰۳۹
	سهام بیمه‌ها	۲۶	۳/۵۶۹	۰/۶۵۷	۰/۱۳۶	۰/۴۷۲
	واحدهای سازمانی فراهم‌کننده درآمدها	۲۶	۳/۶۸۹	۰/۸۶۲	۰/۷۰۹	۰/۰۹۵
قانون‌گذاری	قانون‌گذاری	۲۶	۳/۳۵۵	۰/۹۰۵	۰/۳۷۰	۰/۱۲۵
	نظارت بر قانون	۲۶	۳/۶۹۹	۰/۸۶۲	۰/۰۸۴	۰/۴۷۳
	رفع موانع قانونی	۲۶	۳/۵۳۷	۰/۹۰۷	۰/۲۱۸	۰/۳۵۲
سودآوری	توجه به کسب سود	۲۶	۲/۴۵۲	۰/۹۱۷	۰/۲۰۸	۰/۳۱۸
	تأمین درآمدهای پایدار	۲۶	۳/۱۲۵	۰/۶۳۵	۰/۱۲۳	۰/۲۳۹
	کنترل هزینه	۲۶	۳/۲۵۸	۰/۸۹۰	۰/۱۲۱	۰/۳۶۸
ریسک‌پذیری	شناسایی ریسک‌های درمان	۲۶	۴/۲۲۵	۰/۶۴۸	۰/۰۶۸	۰/۴۷۲
	قبول ریسک	۲۶	۳/۱۵۸	۰/۸۹۰	۰/۱۰۷	۰/۰۹۵
تغییرات رفتاری	تغییر رویکرد مدیران	۲۶	۳/۲۴۹	۰/۸۵۴	۰/۲۱۳	۰/۰۴۴
	نوع تطابق بیماران	۲۶	۳/۶۰۲	۰/۷۸۱	۰/۲۶۳	۰/۰۲۵

جدول ۵ | نتایج آزمون فریدمن

نمونه	کای دو	درجه آزادی	Sig
۲۸۱	۶۳/۴۵۷	۷	۰/۰۰۱

جدول ۶ | ترتیب اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر نظام تأمین مالی سلامت طبق نظر خبرگان

عوامل	ابعاد	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه	اولویت مؤلفه‌ها	اولویت ابعاد
عوامل زمینه‌ای	نظام بودجه‌ریزی	تأمین اعتبارات بودجه	۵/۱۹۹	۱	۲
		تهیه دستورالعمل بودجه	۴/۹۸۶	۲	
		تهیه فرآیند پرداخت	۴/۷۳۰	۳	
		تهیه فرآیند تخصیص بودجه	۴/۳۴۳	۴	
		پیاده‌سازی سامانه بودجه	۴/۳۲۲	۵	
	خدمات سلامت‌محور	فرهنگ سلامت‌محوری	۴/۴۵۲	۱	۱۱
		تبلیغات سلامت‌محور	۳/۴۷۳	۲	
		رسانه ملی سلامت‌محور	۳/۱۹۳	۳	
	نظام مالیات محوری	فرهنگ‌سازی در راستای مالیات	۴/۹۵۸	۱	۱
		پیاده‌سازی سامانه مالیات	۳/۵۶۹	۲	
		ساز و کار مالیات بر درآمد	۳/۲۵۸	۳	
		اخذ مالیات	۳/۱۲۵	۴	
		پرداخت یارانه سلامت	۴/۱۱۰	۵	
		تأمین مالی یارانه‌های پرداختی	۳/۰۳۹	۶	
عوامل ابزاری	صندوق بیماری	صندوق حمایت از بیماران	۳/۵۸۹	۱	۸
		ساز و کار خدمات درمانی	۳/۳۵۸	۲	
	مشارکت مالی	مشارکت مالی دولت	۳/۶۸۹	۱	۹
		سرمایه‌گذاری خارجی در بخش سلامت	۳/۵۴۷	۲	
		مشارکت مالی از طریق بورس	۳/۳۶۵	۳	
	بیمارستان اجتماعی	خدمات مسئولیت اجتماعی	۳/۶۰۲	۱	۱۰
عوامل محتوایی	تدوین طرح‌های تأمین مالی	شناسایی راهکارها	۴/۹۵۸	۱	۳
		واحدهای سازمانی فراهم‌کننده درآمدها	۳/۶۸۹	۲	
		سهم بیمه‌ها	۳/۵۶۹	۳	
	قانون‌گذاری	نظارت بر قانون	۳/۶۹۹	۱	۴
		رفع موانع قانونی	۳/۳۵۵	۲	
		تصویب قانون	۳/۵۳۷	۳	
عوامل ساختاری	ساختار مالی	کنترل هزینه	۳/۲۵۸	۱	۷
		تأمین درآمدهای پایدار	۳/۱۲۵	۲	
	ساختار ریسک	شناسایی ریسک‌های درمان	۴/۲۲۵	۱	۶
		قبول ریسک	۳/۱۵۸	۲	
	ساختار کیفیت خدمات	نوع تطابق بیماران	۳/۶۰۲	۱	۵
		تغییر رویکرد مدیران	۳/۲۴۹	۲	

جدول ۷ | نتایج آزمون رتبه‌بندی ابعاد

رتبه	امتیاز	ابعاد
۱	۴/۴۵۱	نظام مالیات‌محوری
۲	۴/۴۲۰	نظام بودجه‌ریزی
۳	۴/۳۶۸	تدوین طرح‌های تأمین مالی
۴	۴/۱۵۸	قانون‌گذاری
۵	۳/۹۸۰	ساختار کیفیت خدمات
۶	۳/۹۲۰	ساختار ریسک
۷	۳/۸۵۰	ساختار مالی
۸	۳/۷۴۵	ایجاد صندوق بیماری
۹	۳/۴۵۸	مشارکت مالی
۱۰	۳/۳۶۹	ایجاد بیمارستان اجتماعی
۱۱	۳/۱۰۵	خدمات سلامت‌محور

تأمین مالی، «شناسایی راهکارها» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد قانون‌گذاری، «نظارت بر قانون» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد سودآوری، «کنترل هزینه» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد ریسک‌پذیری، «شناسایی ریسک‌های درمان» در رتبه یکم قرار دارد. در بُعد تغییرات رفتاری، «نوع تطابق بیماران» در رتبه یکم قرار دارد. همچنین بُعد مالیات‌محوری دارای رتبه یکم و خدمات سلامت‌محور دارای رتبه آخر هستند.

بحث

در این پژوهش عوامل تاثیرگذار در ۴ دسته عوامل ساختاری، عوامل زمینه‌ای، عوامل ایزاری و عوامل محتوایی دسته‌بندی شد و ۱۱ مولفه تاثیرگذار به دست آمد که به صورت زیر، به ترتیب اولویت‌بندی شدند: نظام مالیات‌محوری، نظام بودجه‌ریزی، تدوین طرح‌های تأمین مالی، قانون‌گذاری، ساختار کیفیت خدمات، ساختار ریسک، ساختار مالی، ایجاد صندوق بیماری، مشارکت مالی، ایجاد بیمارستان اجتماعی و خدمات سلامت‌محور.

یافته‌ها نشان داد نظام مالیات‌محوری، نظام بودجه‌ریزی و تدوین طرح تأمین مالی به ترتیب بیشترین مولفه‌های تاثیرگذار هستند.

در نظام تأمین منابع مالی پایدار نظام مالیاتی از مهم‌ترین منابع محسوب می‌شود. تأمین مالی از طریق مالیات و عوارض می‌تواند مزیت‌هایی را در نحوه مدیریت وضعیت اقتصادی،

ریسک‌های مدیریتی و قدرت خرید جامعه به وجود آورد که این مزیت‌ها به علت ماهیت سیاسی و نحوه جمع‌آوری مالیات‌ها و چگونگی تخصیص آن تحقق می‌یابند. البته در اجرای این نظام ممکن است چالش‌های معمول در مدیریت اثربخش ارائه خدمات عمومی و مشکلاتی نیز به علت مسئولیت‌پذیری ضعیف و یا بی‌ثباتی به وجود آید.

تعیین و اجرای مصادیق آسیب‌رسان سلامت باتوجه ویژه به قانون مالیات بر ارزش افزوده و راه‌هایی که علاوه بر مالیات بر درآمد، مالیات سود، مالیات غیرمستقیم، مالیات مستقیم و... می‌توان کسب کرد، می‌تواند افزایش مالیات از منابع تولیدکننده خطر برای سلامت مانند ماده ۸ قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی قیمت محصولات دخانی، قانون مالیات بر خرده‌فروشی‌ها مبنی بر تغییر ساختار و نرخ مالیات بر دخانیات و نوشابه براساس استانداردهای کنونی، لزوم تعریف مالیات سلامت بر سوخت‌های فسیلی و اختصاص درصدی از جرایم رانندگی به بخش سلامت به دلیل رفتارهای پرخطر بعضی از رانندگان و بستن مالیات به صورتحساب‌های تلفن همراه و کالاهای مضر سلامت، اقداماتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران و مدیران بیمه سلامت بوده است.

در این پژوهش نظام بیمه‌ای در رتبه پایین‌تر قرار گرفته زیرا اولاً صندوق بیمه هرچند پایدار است، منابع مالی زیاد تولید نمی‌کند. ثانياً تعداد زیاد بیمه‌های سلامت موجب کوچک شدن اندازه صندوق آنها می‌شود و در نتیجه، فرآیند تسهیم ریسک مالی بین افراد عضو صندوق‌های بیمه به خوبی شکل نمی‌گیرد. از طرف دیگر، کارایی ناشی از مقیاس در این بیمه‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه، حق بیمه سلامت افزایش یافته و بسته‌های حمایتی بیمه کاهش می‌یابد و در نهایت، پرداخت مستقیم از جیب مردم افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر، تفاوت میزان حق بیمه پرداختی و مزایای دریافتی منجر به نارضایتی مردم می‌شود. تجمع بیمه‌های سلامت پایه و یکسان‌سازی مقررات مربوطه در این راستا پیشنهاد می‌شود. ایجاد یک بیمه سلامت اجتماعی یکپارچه منجر به افزایش قدرت خرید بیمه سلامت شده و افزایش کارایی ارائه‌کنندگان خدمات سلامت را نیز به دنبال خواهد داشت. تعداد صندوق‌های بیمه سلامت در کشورهای استونی، لیتوانی، لهستان و آلمان در دهه‌های اخیر

کاهش قابل توجهی داشته است [۱۱].

عوامل شناسایی شده در نظام تأمین مالی سلامت در پژوهش حاضر در ۴ دسته قرار گرفته‌اند که نتایج تحقیق در مقایسه با نتایج تحقیقات [۱۲، ۱۳] در بخش ارائه ابعاد مرتبط با نظام بودجه‌ریزی به تهیه نظام‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با نحوه اجرایی کردن نظام تأمین مالی پرداخته نشده بود. همچنین در این تحقیقات به نحوه انجام فرآیند نظام تأمین مالی در حوزه سلامت اشاره‌ای نشده بود [۱۴، ۱۵]. در بعد مربوط به خدمات سلامت‌محور به نحوه فرهنگ‌سازی و ورود رسانه‌های اجتماعی و رسانه ملی پرداخته نشده است [۱۶]. در بخش مربوط به خدمات مسئولیت‌های اجتماعی شامل سامان‌دهی بیمارانی که توانایی مالی ندارند، اشاره‌ای نشده است. نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر در بخش عوامل ساختاری با تحقیقات لگیتون [۱۷] دارای اشتراک در نحوه تأمین منابع مالی از طریق مالیات است.

مطالعه مروری که درخصوص راهکارهای تأمین مالی پایدار در نظام سلامت انجام شده با نتایج پژوهش ما در خصوص ترتیب اولویت‌بندی مطابقت دارد و تاکید می‌کند که راهکارهای تقویت کارکرد جمع‌آوری منابع مالی شامل افزایش سهم سلامت از تولید ناخالص داخلی، توسعه روش‌های تأمین مالی براساس مالیات، افزایش سهم بیمه‌های سلامت اجتماعی، افزایش درآمدهای نظام سلامت از منابع داخلی، جلب حمایت مالی جامعه، جلب مشارکت مالی خیرین، افزایش منابع مالی از طریق کمک‌های توسعه به نظام سلامت و سامان‌دهی آنها، مشارکت افراد در تأمین هزینه‌های خدمات ارائه شده، تقویت مشارکت عمومی و خصوصی، مبارزه با فساد و ناکارآمدی و کاهش بوروکراسی اداری به‌منظور کاهش هزینه‌های نظام سلامت است [۱۱]. راهکارهای مربوط به تقویت پایداری کارکرد جمع و مدیریت منابع مالی شامل استفاده از روش‌های تأمین مالی صعودی، گسترش نظام‌های پیش‌پرداخت سلامت، توسعه زیرساخت‌های الکترونیکی، جمع‌آوری منابع مالی صندوق‌های بیمه‌ای، رفع همپوشانی بیمه‌ای، اصلاح و بازنگری سرانه حق بیمه، گسترش بیمه‌های اجباری سلامت، راه‌اندازی حساب ملی پس‌انداز سلامت، توسعه صندوق‌های عدالت و پوشش بیمه‌ای افراد فقیر در برابر هزینه‌های فاجعه‌بار سلامت است.

استفاده از روش‌های پیش‌پرداخت نظیر مالیات عمومی و

بیمه سلامت اجتماعی موجب تسهیم ریسک مالی بین گروه‌های جمعیتی، حفاظت از افراد آسیب‌پذیر در برابر هزینه‌های بالای خدمات سلامت و افزایش دسترسی افراد فقیر و بیمار به خدمات سلامت می‌شود. دولت و بیمه‌های سلامت اجتماعی و خصوصی وظیفه تجمیع منابع مالی سلامت کشور را برعهده دارند. هر قدر افراد بیشتری عضو صندوق بیمه سلامت باشند، فرآیند تجمیع ریسک بهتر صورت می‌گیرد [۱۱].

برای دستیابی به پوشش همگانی سلامت سهم هزینه‌های سلامت از تولید ناخالص داخلی ایران باید افزایش یابد. به طور کلی از ۶ روش مالیات عمومی، بیمه سلامت اجتماعی اجباری، بیمه سلامت خصوصی داوطلبانه، حساب پس‌انداز سلامت، کمک‌های نوع‌دوستانه داخلی و خارجی و پرداخت مستقیم از جیب برای تأمین مالی خدمات سلامت استفاده می‌شود [۱۸]. این روش‌ها در دو دسته کلی روش‌های عمومی و خصوصی تأمین مالی بخش سلامت قرار می‌گیرند. بخش دولتی و خصوصی به ترتیب ۴۵/۹ و ۵۱/۴ درصد هزینه‌های سلامت ایران را در سال ۲۰۱۸ میلادی تأمین کردند درحالی که ۵۹ و ۴۱ درصد هزینه کل سلامت مردم دنیا در این سال از بخش عمومی و بخش خصوصی تأمین شده است [۱۱]. همچنین روش‌های تأمین مالی خدمات سلامت را می‌توان به دو دسته پیش‌پرداخت و حین‌پرداخت تقسیم کرد. مردم از طریق پرداخت مالیات و حق بیمه در تأمین مالی نظام سلامت قبل از دریافت خدمات سلامت مشارکت دارند. با وجود این، آنها ممکن است به دلایلی نظیر نداشتن پوشش بیمه‌ای یا پوشش بیمه‌ای محدود، به هنگام بیماری و دریافت خدمات سلامت، مبلغی بابت خدمات دریافتی پرداخت کنند. دولت باید بر روش‌های پیش‌پرداخت تأکید داشته باشد تا مانع ایجاد هزینه‌های فاجعه‌بار سلامت برای مردم و در نتیجه فقر آنها شود. مالیات یکی از مهم‌ترین روش‌های پیش‌پرداخت برای تأمین مالی نظام سلامت است. سهم هزینه‌های سلامت دولت ایران از کل هزینه‌های عمومی دولت حدود ۲۱/۸ درصد در سال ۲۰۱۸ میلادی بود. میانگین این شاخص در دنیا ۱۰/۲ درصد (حداقل ۱/۱ درصد در کامرون و حداکثر ۲۷/۸ درصد در کاستاریکا) بود [۱۱].

سازمان بهداشت جهانی حداقل ۱۵ درصد را برای این شاخص پیشنهاد می‌کند [۱۹]. بنابراین دولت ایران، قسمت قابل توجهی

حق بیمه‌های بیمه اجتماعی، حق بیمه‌های بیمه خصوصی، پرداخت مستقیم توسط بیماران، مشارکت اجتماع‌محور، کمک‌های خارجی و خیریه‌ها که اکثر کشورها ترکیبی از این شیوه‌ها را استفاده می‌کنند.

در بررسی کشورهای مورد مطالعه و مدل‌ها و چارچوب‌های تأمین مالی، متغیرهایی که بیشترین فراوانی را در نظام تأمین مالی دارا بودند شامل متغیرهای مالیات‌محوری، صندوق یکپارچه مالی، یارانه، مشارکت مالی و حفاظت از ریسک‌های سرمایه‌گذاری بود و این نشان از تأکید مدل‌های مذکور به نگاه مالیاتی همراه با سرمایه‌گذاری است.

در نظام تأمین منابع مالی پایدار، نظام مالیاتی از مهم‌ترین منابع محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که صندوق بیمه هرچند پایدار است اما منابع مالی زیاد تولید نمی‌کند. تأمین مالی از طریق حق بیمه تابع عواملی از جمله حقوق و اشتغال و درصد حق بیمه از حقوق است. باتوجه به اینکه حقوق پایه پایین است، بنابراین درصد حق بیمه نیز زیاد نمی‌شود. علاوه بر این در حال حاضر تعداد زیادی از بیمه‌شدگان گروه‌هایی هستند که تحت حمایت هستند و حق بیمه پرداخت نمی‌کنند و تقریباً ۷۰ درصد کسانی که بیمه هستند حق بیمه کامل پرداخت نمی‌کنند. بنابراین اتکال صندوق بیمه‌ای به نظام مالیاتی بیشتر می‌شود. باتوجه به موارد فوق در این پژوهش، در میان پاسخگویان رویگردانی از نظام بیمه‌ای و اولویت نظام مالیاتی مشاهده شده است.

نظام سلامت اگرچه با کمبود منابع مواجه است اما با اتلاف ۲۰ تا ۴۰ درصدی منابع هم همراه است. بنابراین استراتژی‌های تأمین مالی نظام سلامت، در حالی که به افزایش منابع مالی نظام سلامت کمک می‌کند، باید از اتلاف منابع هم جلوگیری کند. تفکیک نقش خریدار از ارائه‌کننده خدمات سلامت وزارت بهداشت، افزایش منابع مالی از طریق پیش‌پرداخت‌ها، یکسان‌سازی ساختاری و سیاستی طرح‌های بیمه سلامت، اصلاح تعرفه خدمات سلامت، خرید راهبردی خدمات سلامت، افزایش کارایی نظام سلامت، بهبود کیفیت خدمات سلامت و پرداخت مبتنی بر عملکرد و ارزش از جمله اقدامات لازم برای تقویت پایداری الگوی تأمین مالی نظام سلامت ایران است. سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام سلامت باید یک برنامه

از بودجه عمومی کشور را به بخش سلامت اختصاص داده است. در کشورهای دارای نظام سلامت ملی National Health System NHS نظیر انگلستان، سوئد، اسپانیا و پرتغال، باتوجه به اینکه تأمین مالی هزینه‌های سلامت به طور عمده از طریق مالیات و وجوه عمومی دولت صورت می‌گیرد، افراد در صورت از دست دادن شغل خود با چالشی در زمینه استفاده از خدمات سلامت مواجه نمی‌شوند. در مقابل، در کشورهای دارای نظام بیمه سلامت اجتماعی نظیر آلمان یا بیمه سلامت ملی مانند کانادا، کمیت و کیفیت استفاده از خدمات سلامت به نوع شغل فرد و بیمه مربوطه مرتبط است. بنابراین، با از دست دادن شغل، دسترسی و استفاده از خدمات سلامت فرد محدود خواهد شد. نظام سلامت ایران از نوع ترکیبی است. بنابراین دولت باید از طریق اصلاحات مالیاتی، منابع مالیاتی را بهتر مدیریت کند تا تأمین مالی نظام سلامت پایدار شود و تحت تأثیر رکود اقتصادی و تحریم سیاسی کاهش نیابد. تقویت فضای مالی (Fiscal space) نظام سلامت باید مورد توجه جدی سیاست‌گذاران کشور قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نظام تأمین مالی سلامت ایران از پایداری کافی برخوردار نیست. اولین مسئله‌ای که در تأمین منابع مطرح می‌شود این است که سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران نظام سلامت باید از استراتژی‌های مناسب برای تقویت پایداری نظام تأمین مالی سلامت به منظور افزایش دسترسی به خدمات سلامت و پوشش همگانی سلامت استفاده کنند.

دو راهبرد اساسی در تأمین مالی نظام‌های سلامت وجود دارد: ۱. نظام‌های سلامت با تأمین مالی متکی به مالیات: در این الگو همه شهروندان و حتی در برخی اوقات افراد غیرشهروند دارای اقامت دائم، از بسته خدمات سلامت به صورت یکسان بهره می‌برند و پوشش همگانی محقق می‌شود. ۲. نظام‌های سلامت با تأمین مالی بر مبنای بیمه‌های اجتماعی سلامت: منابع مالی ترکیبی است از مشارکت مالی بیمه‌شدگان صندوق/صندوق‌های بیمه‌ای و کمک‌های دولتی از محل منابع عمومی. هر کشور باید درباره یک راهبرد تأمین منابع مالی به تصمیم نهایی برسد. یعنی اینکه قرار است از چه ترکیبی از روش‌های تأمین مالی برای تأمین اعتبارات نظام سلامت خود استفاده کند: درآمد عمومی،

- 2017;390(10100):1345-422. doi: [10.1016/S0140-6736\(17\)32366-8](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(17)32366-8).
6. Karimi I, Nasiripour A, Maleki M, Mokhtare H. Assessing financing methods and payment system for health service providers in selected countries: designing a model for Iran. *Journal of Health Administration*. 2006;8(22):15-24. [Persian]
7. Maher A, Ahmadi AM, Shokri Jamnani A. Survey of Different Approaches to Health System Financing in the Selected Countries during the Period 1998-2004 and Introducing New Financing Mechanisms for Iran. *Journal of Economic Research*. 2008;8(1):115-49. [Persian]
8. Barber RM, Fullman N, Sorensen RJ, Bollyky T, McKee M, Nolte E, et al. Healthcare Access and Quality Index based on mortality from causes amenable to personal health care in 195 countries and territories, 1990–2015: a novel analysis from the Global Burden of Disease Study 2015. *Lancet*. 2017;390(10091):231-66. doi: [10.1016/S0140-6736\(17\)30818-8](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(17)30818-8).
9. Bank W. World bank country and lending groups. The World Bank Group: Washington, DC, USA. 2017.
10. Fattahzadeh AA. Health system reforms. Tehran: Publications of Ibn Sina Bozorg Cultural Institute; Summer 2005.
11. Mosadeghrad AM, Khodayari R, Abbasi M, Karimi F. Sustainable Financing Strategies for the Iranian Health System: A Scoping Review. *Journal of School of Public Health & Institute of Public Health Research*. 2021;19(2):137-56. [Persian]
12. Kutzin J. Health financing for universal coverage and health system performance: concepts and implications for policy. *Bulletin of the World Health Organization*. 2013;91:602-11. doi: [10.2471/BLT.12.113985](https://doi.org/10.2471/BLT.12.113985).
13. Hsiao W, Siadat B. In search of a common conceptual framework for health systems strengthening [Online]. [cited 2009]. 2009.
14. Kulesher R, Forrestal E. International models of health systems financing. *J Hosp Adm*. 2014;3(4):127-39. doi: [10.5430/jha.v3n4p127](https://doi.org/10.5430/jha.v3n4p127).
15. McIntyre D, Kutzin J, Organization WH. Health financing country diagnostic: a foundation for national strategy development. World Health Organization, 2016 9241510110.
16. Bertone MP, Meessen B. Studying the link between institutions and health system performance: a

استراتژیک برای تقویت پایداری کارکرد تأمین مالی نظام سلامت تدوین کنند و از این اقدامات در آن استفاده کنند. اجرای درست این برنامه استراتژیک منجر به تقویت فضای مالی نظام سلامت کشور خواهد شد.

تشکر و قدردانی: این مقاله حاصل بخشی از پایان نامه با عنوان طراحی الگویی برای روش های تأمین مالی ارائه خدمات در نظام سلامت ایران، در مقطع دکترای تخصصی رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی و در سال ۱۳۹۸ است. از کلیه افراد شرکت کننده در بخش تعیین اهمیت معیارها و بخش دلفی قدردانی می شود.

سهم نویسندگان: پریوش حیدری ارجلو: جمع آوری اطلاعات، مطالعه تطبیقی، پزل دلفی و نگارش مقاله؛ شقایق وحدت: طراحی مطالعه و نظارت بر بخش کیفی و پزل دلفی؛ حسن سلطانی: تحلیل داده ها. مقاله ارسال شده توسط نویسندگان مورد تأیید قرار گرفت.

تأییدیه اخلاقی: پژوهش حاضر با کد ۱۶۳۲۱۲۱۳۹۶۲۰۰۳ مورد تأیید کمیته اخلاق دانشگاه آزاد قرار گرفته است.

تعارض منافع: نویسندگان این مقاله، هیچ گونه تعارض منافی را اعلام نکردند.

منابع مالی: پژوهش حاضر با حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز اجرا شد.

References

1. Savedoff WD, de Ferranti D, Smith AL, Fan V. Political and economic aspects of the transition to universal health coverage. *Lancet*. 2012;380(9845):924-32. doi: [10.1016/S0140-6736\(12\)61083-6](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(12)61083-6).
2. Reeves A, Gourtsoyannis Y, Basu S, McCoy D, McKee M, Stuckler D. Financing universal health coverage—effects of alternative tax structures on public health systems: cross-national modelling in 89 low-income and middle-income countries. *Lancet*. 2015;386(9990):274-80. doi: [10.1016/S0140-6736\(15\)60574-8](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(15)60574-8).
3. Savedoff WD, Ferranti F, Smith A. Transitions in health financing and policies for universal health coverage. Washington, DC: Centre for Global Development. 2012.
4. Jowett M, Brunal MP, Flores G, Cylus J. Spending targets for health: no magic number. World Health Organization, 2016.
5. Alam K HG, Collaborators GRF. Global, regional, and national comparative risk assessment of 84 behavioural, environmental and occupational, and metabolic risks or clusters of risks, 1990-2016.a systematic analysis for the Global Burden of Disease Study 2016. *Lancet*.

- Public Policy; 2013.
18. World Health Organization. World health statistics 2010: World Health Organization; 2010.
 19. World Health Organization. Monitoring the building blocks of health systems: a handbook of indicators and their measurement strategies: World Health Organization; 2010.
 - framework and an illustration with the analysis of two performance-based financing schemes in Burundi. Health Policy Plan. 2013;28(8):847-57. doi: [10.1093/heapol/czs124](https://doi.org/10.1093/heapol/czs124).
 17. Johnraj MSP. Healthcare Financing: How Should Singapore's Ministry of Health Shift Costs from Private Pockets to the Public Purse?: Lee Kuan Yew School of